

آنا ماری شیمل "بانوی اسلام شناس" و رژیم جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

mshokohi@web.de

آنا ماری شیمل اسلام شناس و شرق شناس آلمانی که اخیرا به ایران سفر کرده بود در جریان مراسمی که روز یکشنبه ۲۲ مهر در دانشگاه الزهرا در تهران برگزار شد، "دکترای افتخاری" را از دست خواهر زهرا رهنورد دریافت کرد. مصطفی معین وزیر تحقیقات و فناوری رژیم اسلامی در مراسم اهدای دکترای افتخاری به آنه ماری شیمل "بانوی اسلام شناس آلمانی" از او به عنوان "مظهر و نشانه ای از گفت و گوی واقعی میان فرهنگ ها و تمدن ها" یاد کرد. جناب وزیر که در این مراسم صحبت می کرد گفت: تلاش هر عالم و محقق ارزنده و شایسته قدردانی علمی است اما تلاشی که "فراتر از حوزه دانش، دامنه های فرهنگی جدیدی را بگشاید، شایسته قدردانی بیشتر" است. هشتاد سال "عمر پر بار" این دانشمند که با دغدغه های دانش و علم زندگی کرده برای هر دانشجو، استاد و محقق عبرت آموز است. باید از دقت، قدرت، استمرار و جامع نگری علمی او به عنوان سرمشقی موفق بهره گرفت. خانم شیمل از درون فرهنگ و اندیشه فعال و پویای آلمانی به "حوزه پژوهش در فرهنگ و تمدن اسلامی" پیوست اما در حوزه تحقیق خود هرگز با "غیریت بینی" و "غیریت سازی" مواجه نشد از این رو عرصه تازه ای از گفت و گوی ثمربخش فرهنگی را ایجاد کرد. رویکرد خانم شیمل به اسلام، کار او را "برجسته و ممتاز" می کند، اگر چه از گستردگی و عمق آثار او نیز نباید به سادگی گذشت. روزنامه کیهان شریعتمداری به نقل از خام شیمل روز دوشنبه ۲۳ مهر نوشت: مردم تنها به آنچه از راه تلویزیون به آنها گفته می شود اعتقاد دارند و مردم قادر به درک "واقعیات و رای مطالب ارائه شده" نیستند و این یک خطر بزرگ است.

آناماری شیمل کیست؟ نگاهی کوتاه به بیو گرافی این "بانوی اسلام شناس" و خدمات وی به ارتجاعی ترین و کثیف ترین رژیم های تاریخ بشر یعنی نازیسم هیتلر و دفاعش از رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد. خانم شیمل در دوره قدرت گیری حزب ناسیونال سوسیالیست هیتلر در سال ۱۹۳۷ وارد سازمان جوانان این حزب شد. وی در سال ۱۹۳۸ دوره حاکمیت فاشیستها وارد دانشگاه برلین شد. در سال ۱۹۴۲ با درجه دکترا در رشته مطالعات اسلامی فارق التحصیل شد. در طول کار و فعالیت در حزب فاشیست هیتلر وی یکی از کادرهای مهم این دار و دسته های فاشیستی به درون ارگانهای دولتی دولت هیتلر راه یافت. از اواسط سال های ۱۹۴۴ تا پایان جنگ دوم جهانی ایشان در وزارت خارجه و در

سمت سکرتر امور خاورمیانه کار و فعالیت می کرد. وی برای مدتی برای هماهنگی میان نیروهای هوادار رژیم هیتلر در ایران و جلب همکاری نیروهای ملی و مذهبی اسلامی که یهودی ستیزی اسلام و نازیستها محور مشترکشان بود، در تهران کار و فعالیت می کرد. بعد از پایان جنگ و مدتی رد گم کردن دوباره توانست درس خوانده و در رشته های اسلام شناسی و شرق شناسی پروفیسور بشود.

خانم شیمیل بعد از قدرت گیری خمینی تنها زن غربی بود که در اواخر دهه ۱۹۸۰ از ایران دیدن کرد و با حجاب رسمی اسلامی به ملاقات خمینی رفت. ایشان تا موقع مرگ خمینی چندین بار از ایران دیدن کرده و در جریان این دیدارها گزارشاتی از "اهداف و جهت گیری های رهایی بخش انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی" منتشر کرده است. وی بیش از ۷۰ کتاب و دست نوشته دارد که اکثر شان راجع به اسلام می باشد. بعد از دوم خرداد ۱۳۷۹ وی تا به حال سه بار از ایران دیدار کرده و یکی از طرفداران محمد خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی می باشد. خانم شیمیل بیش از دو دهه است که مدافع سرسخت بربریت اسلامی از نوع جمهوری اسلامی ایران در اروپا بوده و معتقد است که "روشنفکران و فلاسفه" غرب شناخت درستی از اسلام ندارند. ایشان در امر شناساندن "اسلام محمدی" به غرب گوی سبقت را مدافع فاشیست رژیم جمهوری اسلامی فردی چون روزه گارودی ربوده است. موضع گیری ها و نظرات بی نهایت راسیستی و ارتجاعی خانم شیمیل حتی صدای اعتراض برخی نویسندگان و روزنامه نگاران آلمانی را نیز بلند کرده است. وی در جریان صدور فتوای قتل سلمان رشدی علنا و آشکارا از این فتوای خمینی دفاع کرد و پیشنهاد کرد تا سلمان رشدی در یک دادگاه با حضور قضات اسلامی به خاطر "توهین به مقدسات اسلام" محاکمه شود. ایشان حتی پا را فراتر نهاده و در سال هایی که رشدی به خاطر تهدیدات تروریستی رژیم جمهوری اسلامی در اختفا بسر می برد و برای مسافرت احتیاج به حفاظت امنیتی داشت، در یک بیانیه اعلام کرد که رشدی بهتر است به آلمان دعوت نشود. دولت هلموت کهل و وزارت خارجه اش از این "پیشنهاد" وی حمایت کرده و اعلام کردند که حضور رشدی در این کشور "لطمه" به مناسباتشان با ایران زده و علاوه بر این خطر ترور وی وجود دارد. در اواخر دهه نود میلادی عده ای از نویسندگان آلمانی از جمله گوتتر گراس و گوتتر والراف به همراه جمع دیگری از نویسندگان اروپایی اعلام کردند که با این سیاست دولت آلمان و پیشنهاد خانم شیمیل مخالف بوده و آنها خودشان اقدام به آوردن رشدی به آلمان خواهند کرد. بالاخره سلمان رشدی در همراهی گوتتر گراس در آلمان حاضر شد. خانم شیمیل در اعتراض به حضور رشدی نامه اعتراضی به دولت آلمان نوشت و در آن اشاره کرد که با این کار صدای مخالفان اسلام بلندتر خواهد شد.

خانم شیمیل نظرات و دیدگاههایش عین اسلام ناب محمدی خمینی می باشد. وی در مورد ضرورت حجاب و رعایت آن می گوید: حجاب در دین اسلام و برای مسلمانان واجب است. در مورد سنگسار می گوید: هر دینی برای خود "ارزش ها و قوانینی" دارد که باید رعایت شود. وی در مورد سرکوب و اعدام در ایران می گوید: ما غربی ها حقوق بشر خودمان را داریم و نمی توانیم از مسلمانان بخواهیم

که به آن احترام بگذارند. اسلام حقوق بشر خودش را دارد. وی در مورد "ضرورت رعایت حق و حقوق شهروندان مسلمان" می گوید: دولت باید زمینه ها و مقدمات زندگی را که شهروندان مسلمان ما می خواهند فراهم بیاورد. از قبیل رعایت امر ازدواج و طلاق و وراثت، تدریس قرآن و اسلام در مدارس. ایشان در مورد تصویب قوانینی که در مورد زنانی که از کشورهای اسلامی به خاطر اعتراض به حجاب و سرکوب جریانات تروریست اسلامی وارد این کشور شده و بر اساس قوانین موجود می توانند تقاضای پناهندگی بنمایند می گوید: تصویب چنین قوانینی کمکی به "بهبود روابط ادیان" نکرده و دو طرف را نسبت به یکدیگر بی اعتماد خواهد کرد.

اینها خدمات "بانوی اسلام شناس" به اسلام و جمهوری اسلامی می باشد. کاری که خانم شیمیل برای رژیم جمهوری اسلامی و حمایتش از رژیم صد هزار اعدام کرده و می کند را در کنار همکاری و همگامی ایشان با حزب ناسیونال سوسیالیست هیتلر بگذارید تا معلوم شود قرابت اسلام و فاشیسم اسلامی چقدر همدیگر را تکمیل می کنند. راسیسم روشنتر از این نمی باشد که خانم شیمیل انقلاب مردم ایران و به قدرت رسیدن خمینی و جمهوری اسلامی را "خواسته مردم ایران و نتیجه انقلاب ۱۳۵۷ تحت رهبری امامش" دانسته و بدین ترتیب بربریت اسلامی، ترور، سنگسار و اعدام و قصاص را شایسته مردم ایران دانسته و بی شرمانه تر از همه "انتخاب مردم ایران" قلمداد می نماید. در برابر چنین خدماتی به اسلام و بربریت جمهوری اسلامی است که وی به ایران دعوت می شود و به خاطر "تلاش های بی وقفه اش برای شناساندن اسلام واقعی به غرب" از وی تقدیر می شود. ایشان از رژیمی دفاع کرده و می کند که اعدام، سنگسار و قصاص جزو جدایی ناپذیر حاکمیتش می باشد. وی خواهان "گسترش حق و حقوق شهروندان مسلمان" بخوان جاری کردن احکام ضد بشری اسلام نظیر سنگسار، قصاص، اعدام در آلمان می باشد. "بانوی اسلام شناس" رژیم جمهوری اسلامی فقط شایستگی و لیاقت آن را دارد که از دست همفکران جانی اش لوح تقدیر به پاس هم گامی و همسویی اش با بربریت اسلام و جمهوری اسلامی دریافت نماید. ایشان با اظهار نظر و موضع گیری های جانبدارانه اش در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی شریک جرم و جنایات رژیم می باشد.

"بانوی اسلام شناس" شریعتمداری، "فیلسوف فراسوی مرزهای تصنعی" یورگن هابر ماس، سرمشق مصطفی معین کسی نبوده و نیست جز یک فاشیست و راسیست دوست و مدافع رژیم جمهوری اسلامی و کل بربریت و توحش اسلامی در غرب.